

Proof send to: mirvakili3131@gmail.com
Tel: 09121675379

علی اکبر میروکیلی^۱ MA

۱- گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ایمیل: mirvakili3131@gmail.com

واراز مرادی مسیحی^۲ Ph.D

۲- گروه برنامه ریزی شهری و منطقه ای، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
ایمیل: var.moradi_masihi@iauctb.ac.ir

آدرس پستی:

کد پستی:

شماره تماس: ۲۱۴۷۴۸ (۲۱) +۹۸

فکس: -

Ali Akbar Mirvakili¹ MA

1- Department of Urban and Regional Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Email: var.moradi_masihi@iauctb.ac.ir

Varaz Moradi Masihi² Ph.D

2- Department of Urban and Regional Planning, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

Postal Address: Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Sohanak, Salman St, East Artesh Highway, Tehran, Iran

Postal Code: 1955847781

Contact Number: +98 (21) 214748

Email: var.moradi_masihi@iauctb.ac.ir

Explaining Institutional and Social Capacity Indicators Emphasizing the Substantive Approach to Urban Development Strategy

Abstract:

Aims: One of the modern approaches in urban planning and development is strategic planning, which emphasizes adopting a strategic mindset for shaping the future of cities. Within this framework, the characteristics of institutional and social capacity play a significant role. Accordingly, this study aimed to explain the indicators of institutional and social capacity with an emphasis on the substantive approach to urban development strategy.

Methodology: This explanatory-descriptive research was conducted in Tehran in 2024. The research followed a mixed-methods approach, utilizing both qualitative and quantitative techniques. Data were collected through library studies. In the initial stage, primary indicators were extracted from theoretical sources and urban planning documents and were then organized into a structured questionnaire. The validity of the questionnaire was assessed and refined through expert judgment using face and content validity methods, and its reliability was confirmed with a Cronbach's alpha coefficient of 0.82. The statistical population consisted of 50 urban development experts selected purposively until theoretical saturation was achieved. Data analysis was carried out in two phases using descriptive statistics and Kendall and Friedman tests in SPSS 26.

Findings: The chi-square test yielded significant results, indicating that respondents positively evaluated the proposed indicators. The highest mean scores were related to experiential learning (4.28) and interactive learning (4.26), while the lowest was assigned to collective institutional capacity (4.14). According to the Shannon entropy test, the most important indicators were experiential learning, continuous learning, flexibility, and intra-regional relations, whereas collective institutional capacity received the least weight.

Conclusion: The findings demonstrate that indicators such as learning, interaction, adaptability, and knowledge circulation hold higher importance in assessing institutional and social capacity, while collective structures and physical or human resources are considered lower priorities.

Keywords: Institutional capacity, Social capacity, Strategy, Urban development.

تبیین شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی با تأکید بر رویه محتوایی راهبرد توسعه شهری

چکیده

اهداف: یکی از نظریات نوین در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها، برنامه‌ریزی راهبردی و اتخاذ تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی آینده شهرها است و ویژگی‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی در برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهر دارای اثرگذاری می‌باشد. در همین راستا در این مقاله به تبیین شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی با تأکید بر رویه محتوایی راهبرد توسعه شهری در سال ۱۴۰۳ پرداخته شد. **روش‌شناسی:** این پژوهش توصیفی تبیینی در سال ۱۴۰۳ در شهر تهران به انجام رسید. رویکرد تحقیق، ترکیبی از روش‌های کیفی و کمی بوده و داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای گردآوری شدند. در مرحله کتابخانه‌ای، شاخص‌های اولیه از منابع نظری و اسناد شهری استخراج و سپس در قالب پرسشنامه‌ای ساختاریافته در اختیار پاسخگویان قرار گرفت. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی صوری و محتوایی از طریق نظر خبرگان بررسی و اصلاح شد و پایایی آن با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ تأیید گردید. جامعه آماری شامل ۵۰ نفر از متخصصان حوزه توسعه شهری بود که به‌صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری انتخاب شدند. داده‌ها در دو مرحله با استفاده از آمار توصیفی و آزمون‌های کندال و فریدمن در نرم‌افزار SPSS 26 تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج آزمون کای‌دو نیز معنادار بود که بیانگر آن بوده که پاسخ‌دهندگان به صورت معنادار، شاخص‌ها را مطلوب ارزیابی کرده‌اند. بالاترین میانگین مربوط به یادگیری تجربی (۴/۲۸) و یادگیری تعاملی (۴/۲۶) بوده و کمترین میانگین به توان جمعی نهاده‌ها (۴/۱۴) اختصاص یافت. بر اساس آزمون آنروپی شانون، بیشترین اهمیت به ترتیب به شاخص‌های یادگیری تجربی، یادگیری پیوسته، انعطاف‌پذیری و روابط درون‌منطقه‌ای داده شده و کمترین اهمیت به توان جمعی نهاده‌ها تعلق یافت. **نتیجه‌گیری:** نتایج این تحقیق نشان می‌دهد شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی توسعه شهری تهران شامل یادگیری، تعامل، تطبیق‌پذیری و گردش دانش اهمیت بیشتری داشته و ساختارهای جمعی یا منابع فیزیکی و انسانی در اولویت پایین‌تری قرار دارند.

مقدمه

یکی از نظریات نوین در برنامه‌ریزی و توسعه شهرها، برنامه‌ریزی راهبردی و اتخاذ تفکر راهبردی در برنامه‌ریزی آینده شهرها است. در واقع پرداختن به آینده و برنامه‌ریزی آن جزء جدانشدنی فرایند برنامه‌ریزی است و در این چارچوب، برنامه‌ریزی راهبردی با تکیه بر آینده‌پژوهی، آینده بهتری را برای شهرها شکل می‌دهد [UN-Habitat, 2004]. در اواخر دهه ۱۹۹۰، سازمان ائتلاف شهرها با پشتیبانی بانک جهانی، مرکز سکونت‌گاه‌های انسانی سازمان ملل، بانک توسعه آسیا و چند سازمان دیگر، به عنوان حامی، برای جذب کمک‌های بلاعوض به منظور سرمایه‌گذاری در شهرها، آغاز به کار کرد [Webster & Muller, 2006]. این سازمان با توجه به بحران‌های مدیریتی، جمعیتی و اقتصادی موجود و افزایش روزافزون فقر و ناکارآمدی رویکردهای مدیریتی و شهرسازی که گریبان‌گیر کشورهای در حال توسعه است، رویکرد «راهبرد توسعه شهر (CDS)» را به عنوان ابزاری جهت کمک به پیشبرد فرآیند و اجرای برنامه‌های توسعه شهرها، پیشنهاد نمود [World Bank, 2000]. راهبرد توسعه شهر، بر پایه برنامه‌ریزی استراتژیک، با در نظر داشتن چشم‌اندازی مشارکتی و در طی فرآیندی مشارکتی، بر اصلاح حاکمیت شهری، رشد اقتصاد محلی و کاهش مداوم و نظام‌مند فقر در نواحی شهری تأکید دارد [Santander & Garai-Olaun, 2016; Watson, 2009].

هم‌چنین، ظرفیت‌سازی اجتماعی هم‌افزایی دستگاه‌ها، نهادها و گروه‌های مردمی در جهت حل مسایل مرتبط با شهروندان می‌باشد [Sabet & Khaksar, 2024]. در محلات شهر، ظرفیت‌سازی اجتماعی فرآیند پروراندن گفتگو، برقراری روابط، پذیرش، تنوع و برطرف کردن تعارضات با هدف تقویت اعضای جامعه محلی جهت مشارکت است [Vongvisitsin & Tung, 2025]. ظرفیت‌سازی اجتماعی برای اشاره به تعاملات سرمایه انسانی، منابع سازمانی و سرمایه اجتماعی موجود در یک جامعه خاص استفاده می‌کنند که می‌تواند برای حل مشکلات جمعی، بهبود و حفظ رفاه جامعه مورد استفاده قرار گیرد، [Esmailpoor et al., 2020].

ظرفیت نهادی نیز توجه به نقش محله و اجتماعات محلی به عنوان یکی از گروه‌های ذینفع در شهر حائز اهمیت است. ظرفیت نهادی به عنوان سیاست و ابزار رویکرد نهادی در توسعه محلی و منطقه‌ای است. اهمیت ظرفیت نهادی به گونه‌ای است که نویسندگان متعددی هم‌اکنون توسعه محلی/منطقه‌ای و بویژه توسعه پایدار محلی/منطقه‌ای را وابسته به وجود ظرفیت‌ها و توانایی‌های نهادی موجود در سطوح محلی/منطقه‌ای می‌دانند [Shadmanfar et al., 2023]. بنیان و پایه اساسی بیشتر چنین تحلیل‌هایی در توسعه مناطق عقب مانده این است که چنین مناطقی فاقد سطحی از ظرفیت نهادی هستند که در بیشتر مناطق توسعه یافته وجود دارد. نقش مهمی برای سیاست‌گذاری عمومی وجود دارد که به ایجاد انواعی از ظرفیت‌هایی که برای توسعه محلی و منطقه‌ای نقش راهنما را داشته باشند، کمک کند؛ یعنی مارتین استدلال می‌کند ایده ظرفیت نهادی به طور سریعی از مفهومی تحلیلی به ابزاری تجویزی تبدیل شده است [Gibbs et al., 2001].

قابل ذکر است در تجارب برنامه‌ریزی جهان طی دهه اخیر رهیافت نوینی با عنوان «راهبردهای توسعه شهر» در چاره‌جویی مشکلات شهری پدیدار شده که بر رویکردهای مشارکت مردمی در فرآیند تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی و هدف فقرزدایی (اشتغال پایدار) و توسعه پایدار تأکید دارد. این رهیافت بر مبنای برنامه‌ریزی راهبردی گردیده و در سال‌های اخیر با وسعت زیادی برای تهیه برنامه‌های توسعه شهرها به کار گرفته شده است [Uttara et al., 2012]. همان‌طور که می‌دانیم، رشد شهرها یکی از نکات کلیدی در چالش‌های مربوط به تعاملات ما با محیط است. در واقع، شهرنشینی و رشد شهری یکی از برجسته‌ترین اشکال تغییرات برگشت‌ناپذیر زمین است که تأثیرات فراوانی بر چشم‌انداز و ساکنان شهرها و اطراف آن‌ها دارد [Hall & Tewdwr-Jones, 2019]. رهیافت استراتژی توسعه شهری از سال ۱۹۹۸ و با حمایت بانک جهانی و سپس با همکاری نهادهای بین‌المللی دیگر نظیر مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل و تشکیل نهاد «ائتلاف شهرها» در شهرها و کشورها مختلف مورد استفاده قرار گرفت، هدف عمده رهیافت فوق کاهش اختلاف بین سطح برنامه‌ریزی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه و کمک به رشد و ارتقاء نظام برنامه‌ریزی شهری در کشورهای در حال توسعه و فراهم کردن زمینه لازم برای نهادینه کردن رویکرد فوق بود. این رویکرد در سال ۱۹۹۸ توسط «بانک جهانی» در شرق آسیا (ژاپن) مورد استفاده قرار گرفت. بیش از این برای اولین بار در بارسلون اسپانیا و بدون حضور بانک جهانی تهیه شده بود. تأکید اولیه در CDS های تهیه شده در این دوره بر «رشد اقتصادی» استوار بود. از سال ۱۹۹۹ با پیوستن مرکز سکونتگاه‌های انسانی سازمان ملل متحد (UNDP) و تشکیل سازمان ائتلاف شهرها تمرکز اصلی در CDS های تهیه شده بر «کاهش فقر» استوار شد. از سال ۱۹۹۹ تا سال ۲۰۰۸ با گسترش سازمان ائتلاف شهرها و عضویت تعداد زیادی از

نهادهای و شرکت‌های بین‌المللی دیگر (نظیر اتحادیه اروپا) به شکلی فراگیر مورد استفاده قرار گرفت. به‌طوری‌که تاکنون بیش از ۵۰ کشور و ۱۵۰ شهر از آن استفاده نموده‌اند [Shmeleva & Shmeleva, 2018].

مبنای برنامه ریزی راهبردی، پیش‌بینی محیط آینده است و درجایی که بین پیش‌بینی و واقعیت تفاوت زیادی وجود داشته باشد، اثربخشی آن از بین می‌رود. برنامه‌ریزی راهبردی یکی از راه‌های مهم حمایتی برای تصمیم‌گیری و استفاده‌های مشترک در تحلیل سامانمند عوامل داخلی و خارجی محیط است که با تعریف قوت‌ها و ضعف‌ها، فرصت‌ها و تهدیدهای سیستم راهبردهایی را بر مبنای استفاده از فرصت‌ها، از بین بردن ضعف‌ها و مقابله با تهدیدها می‌سازد [Ghasemi et al., 2019; Badri et al., 2009].

تفکر راهبردی با ویژگی‌هایی نظیر: تشخیص، رهبری، خالقیت، نگرش هلیکوپتری، دید بلندمدت و فرصت‌طلبی و بسیاری قابلیت‌های ذهنی و شخصیتی دیگر می‌تواند موفقیت و اثربخشی سازمان را تضمین کند [Chobbasti et al., 2019].

هم‌چنین، با توجه به اهداف راهبرد توسعه شهر شامل دستیابی به مدیریت و حاکمیت، شهری بهبودیافته، دستیابی به رشد اقتصادی و اشتغال‌فزاینده، کاهش فقر و تداوم آن است. می‌توان توجه به ظرفیت‌سازی ابعادی هم‌چون اجتماعی و نهادی را در فرایند آن اثرگذار دانست. در تبیین مفهوم ظرفیت‌سازی می‌توان چنین مطرح نمود که ظرفیت‌سازی به ابزاری باز می‌گردد که اجتماع یا افراد از طریق آن می‌توانند به تحکیم موقعیت خود بپردازند [Simaei Chaffi & Memarzadeh, 2022]. هم‌چنین، در تعریف ظرفیت‌سازی می‌توان چنین مطرح نمود که ظرفیت‌سازی شامل سه فعالیت اصلی است که شامل ارتقاء مهارت، بهبود رویه‌ها و روش‌ها، و تقویت سازمان‌ها و نهادهای است [Kaburu & Abuya, 2024].

یکی از ابعاد ظرفیت‌سازی؛ ظرفیت‌سازی اجتماعی است که می‌توان گفت ساختار و عناصری که ظرفیت‌سازی اجتماعی را تشکیل می‌دهند بسیار مهم هستند و در ارتباط با یکدیگر به صورتی سیستمی ظرفیت‌سازی اجتماعی را تشکیل می‌دهند [Heidari Sareban & Totakhaneh, 2017]. سه عنصر مهم در ظرفیت‌سازی اجتماعی شامل ظرفیت‌سازی اجتماعی یک فرایند و یا رویکرد و روش است؛ ظرفیت‌سازی اجتماعی مجموعه‌ای از عوامل است که به جنبه‌های مختلف توانایی اشاره دارد؛ بر اساس ارائه تعاریف ترکیبی می‌توان منجر به ایجاد انگیزه جهت افزایش ظرفیت‌سازی اجتماعی شد، می‌باشد [OECD, 2020].

از سوی دیگر، می‌توان گفت نهادهای اهمیت ویژه‌ای در فرایند توسعه دارند و با شکل‌دهی ساختار انگیزشی و تاثیر بر انتظارات و رجحان‌های افراد، می‌توانند توسعه را شدت بخشیده یا از آن جلوگیری نمایند و از طریق در اختیار نهادن ساختارهایی برای زندگی روزمره، عدم اطمینان را کاهش داده و چارچوب‌هایی برای کنش متقابل انسان‌ها وضع نمایند. امروزه، ظرفیت نهادی به عنوان یکی از ابزارهای مهم سیاست‌گذاری و ایجاد تغییرات نهادی در فرایند توسعه در نظر گرفته می‌شود و هم‌چنین، یکی از اصلی‌ترین مفاهیم و سیاست‌های رویکرد نهادی در زمینه توسعه شهری مورد توجه سیاست‌گذاران و جوامع دانشگاهی بوده است و نویسندگان متفاوتی توسعه پایدار شهری را وابسته به وجود ظرفیت و توانایی نهادهای محلی می‌دانند [Sedlaced & Gaube, 2010].

مطالعات متعددی در زمینه راهبردهای توسعه شهری، ظرفیت نهادی و اجتماعی، و پایداری اجتماعی انجام شده است که هر یک از زاویه‌ای خاص به موضوع نگریند. فرح‌بخش دقیق و محمدی [Farahbakhsh Daghigh & Mohammadi, 2022] در پژوهش خود نشان دادند که در کشورهای در حال توسعه، تأکید بر ابعاد اجتماعی توسعه بیشتر به جنبه‌های سستی پایداری اجتماعی محدود شده است و با وجود این ضعف، همچنان نقش مشارکت مردمی و نظارت اجتماعی به‌عنوان عاملی کلیدی در توسعه شهری پایدار برجسته باقی می‌ماند. زیاری و همکاران [Ziari et al., 2022] نیز به نقش مؤلفه‌هایی همچون رقابت‌پذیری، برندسازی، اثربخشی دولت، و دسترسی به خدمات عمومی در برنامه‌ریزی راهبردی اشاره کرده‌اند، اما تمرکز آن‌ها بیشتر بر سطح کلان شهری بوده است. در همین راستا، کیانی و افضلی [Kiani et al., 2021] عامل کالبدی را با بیشترین بار عاملی مؤثرترین مؤلفه در تحقق طرح‌های راهبردی معرفی کرده‌اند و عامل بودجه‌بندی، سیاسی و محیطی را در رتبه‌های بعدی قرار داده‌اند که گویای اهمیت مؤلفه‌های ساختاری در فرایند توسعه است.

از سوی دیگر، پولوراری و همکاران [Polverari et al., 2024] از منظر تقویت ظرفیت نهادی و تاب‌آوری در سطوح محلی و منطقه‌ای به موضوع نگریند و بر اهمیت بستر نهادی برای تحقق استراتژی‌های توسعه شهری تأکید کرده‌اند. هم‌چنین کتزدرویدیس و همکاران [Chatzitheodoridis et al., 2022] بر اهمیت مشارکت نهادی، اتحادهای پایدار، و مقررات مؤثر در تدوین استراتژی‌های توسعه تأکید کرده و خواستار رویکردی از پایین به بالا در فرایند راهبردی شده‌اند که نتیجه آن شکل‌گیری اجماع بین ساختارهای سیاسی و اجتماعی باشد.

با وجود این تلاش‌های علمی، بیشتر مطالعات موجود یا به‌صورت کلی‌نگر بوده‌اند، یا از سطح سیاست‌گذاری کلان فراتر نرفته‌اند و در بیشتر موارد، ارتباط مستقیم و نظام‌مند بین ظرفیت نهادی و محتوای برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری با تأکید بر عدالت

اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ای مورد بررسی قرار نگرفته است. در واقع، فقدان یک مدل تحلیلی که بتواند شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی را در ارتباط با راهبرد محتوایی توسعه شهری با رویکرد عدالت جبرانی تبیین کند، به‌عنوان خلأ اصلی در ادبیات پژوهش قابل شناسایی است.

بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف پر کردن این خلأ و با تمرکز بر یک مطالعه محلی (محله شهید باهنر مشهد) سعی داشته تا شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی را استخراج و تحلیل نموده و نقش آن‌ها را در راهبرد محتوایی بازآفرینی شهری با رویکرد عدالت جبرانی مورد ارزیابی قرار دهد.

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف، توسعه‌ای کاربردی بوده و از لحاظ ماهیت و روش، در زمره تحقیقات توصیفی تبیینی قرار می‌گیرد. رویکرد اصلی تحقیق، کیفی کمی است و از روش‌های کتابخانه‌ای و میدانی برای گردآوری داده‌ها بهره گرفته شده است. در بخش کتابخانه‌ای، منابع نظری شامل کتب تخصصی، مقالات علمی-پژوهشی داخلی و خارجی، اسناد رسمی سیاست‌گذاری شهری، برنامه‌های توسعه ملی و منطقه‌ای، و همچنین مطالعات پیشین مرتبط با موضوع ظرفیت نهادی و اجتماعی، مورد تحلیل قرار گرفتند. با استفاده از روش تحلیل مضمون، مفاهیم کلیدی استخراج و طبقه‌بندی شدند. از دل این مفاهیم، شاخص‌های اولیه برای سنجش ظرفیت نهادی و اجتماعی با تأکید بر نقش آن‌ها در فرآیند برنامه‌ریزی راهبردی توسعه شهری استخراج شدند. سپس شاخص‌های به‌دست‌آمده با رویکرد مقایسه‌ای با سایر پژوهش‌ها تطبیق داده شده و از تکرار یا ابهام در مفاهیم جلوگیری شد.

در گام بعد، این شاخص‌ها به‌صورت ساختاریافته و منظم در قالب پرسشنامه‌ای طراحی گردیدند تا نظرات خبرگان، تصمیم‌گیران شهری، و افراد دارای تجربه در زمینه برنامه‌ریزی شهری و بازآفرینی را به‌دست آورد. ساختار پرسشنامه در دو بخش تنظیم شد: بخش نخست مربوط به اطلاعات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان از جمله سن، میزان تحصیلات، و سابقه فعالیت حرفه‌ای در حوزه برنامه‌ریزی شهری یا مدیریت شهری بود که برای تحلیل تأثیر سوابق فردی بر ارزیابی‌ها لحاظ شد. بخش دوم پرسشنامه شامل جدولی از شاخص‌های پیشنهادی ظرفیت نهادی و اجتماعی بود که پاسخ‌دهندگان می‌بایست میزان اهمیت و نقش هر شاخص را در فرآیند تدوین راهبرد توسعه شهری بر مبنای مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (از ۱ = بسیار کم تا ۵ = بسیار زیاد) ارزیابی کنند.

برای اعتبارسنجی ابزار گردآوری داده، در مرحله نخست از روایی صوری استفاده شد. بدین منظور، نسخه اولیه پرسشنامه برای سه نفر از متخصصان حوزه برنامه‌ریزی شهری و روش تحقیق ارسال شد. بر اساس نظرات و اصلاحات پیشنهادی این افراد، در فرم و محتوای سؤالات بازبینی‌هایی صورت گرفت، از جمله بازنویسی عبارات مبهم، دسته‌بندی مجدد برخی شاخص‌ها، و تعدیل در ترتیب سؤالات برای حفظ منطق پاسخ‌دهی. سپس، برای سنجش روایی محتوا، پرسشنامه برای گروهی از خبرگان شامل اساتید دانشگاهی و کارشناسان ارشد حوزه شهری ارسال شد و با استفاده از تکنیک قضاوت خبرگان، شاخص‌هایی که فاقد ارتباط روشن با مفهوم ظرفیت نهادی یا اجتماعی بودند یا تکراری تشخیص داده شدند، از پرسشنامه حذف یا بازنویسی شدند. تطابق شاخص‌ها با مفاهیم نظری نیز مدنظر قرار گرفت تا پوشش کامل مفهومی حاصل گردد.

برای بررسی پایایی پرسشنامه، با توجه به محدود بودن حجم نمونه اولیه پیش‌آزمون، از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد. به این منظور، پرسشنامه در اختیار گروهی آزمایشی از ۳۰ نفر از پاسخ‌دهندگان با ویژگی‌های مشابه نمونه اصلی قرار گرفت. مقدار ضریب آلفای کرونباخ محاسبه‌شده برای کل پرسشنامه ۰/۸۲ به‌دست آمد که بیانگر سطح بالایی از انسجام درونی و ثبات پاسخ‌ها و در نتیجه پایایی قابل قبول ابزار اندازه‌گیری است.

در این تحقیق، به‌منظور تعیین حجم نمونه، از رویکرد کیفی و روش نمونه‌گیری نظری استفاده شد. ابتدا جامعه آماری شامل کنشگران مطلع در حوزه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری تعریف شد که شامل مدیران شهری، کارشناسان توسعه، پژوهشگران و برنامه‌ریزان بود. سپس فرایند نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند آغاز شد؛ به این معنا که افرادی انتخاب شدند که دارای تخصص و تجربه مرتبط با موضوع تحقیق بودند.

در ادامه، نمونه‌گیری به‌صورت تدریجی و با رویکرد نظری ادامه یافت؛ یعنی انتخاب افراد بر مبنای کفایت اطلاعات انجام گرفت و گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه یافت که پاسخ‌های دریافتی به سطحی از تکرار رسید که مفاهیم جدیدی ارائه نمی‌شد. از پاسخ‌دهنده دهم به بعد، محتوای پاسخ‌ها تکراری تلقی شد و فاقد نکات تحلیلی تازه بود؛ با این حال برای اطمینان از تنوع دیدگاه‌ها، فرایند گردآوری داده‌ها تا پاسخ‌دهنده پنجاهم ادامه یافت. بدین ترتیب، حجم نهایی نمونه برابر با ۵۰ نفر تعیین شد که با توجه به معیار اشباع نظری در تحقیقات کیفی، قابل قبول و علمی تلقی می‌شود.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، در مرحله اول از آمار توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار، کمینه و بیشینه برای بررسی وضعیت توزیع امتیازات شاخص‌ها استفاده شد. در مرحله دوم، به منظور سنجش میزان اجماع میان پاسخ‌دهندگان، ضریب توافق کندال (Kendall's W) محاسبه گردید. همچنین برای مقایسه میانگین امتیاز شاخص‌ها و رتبه‌بندی آن‌ها از آزمون فریدمن بهره گرفته شد. تمام مراحل تحلیل آماری با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته‌ها

در فرآیند پژوهش، با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و بررسی ادبیات مرتبط، مجموعه‌ای از شاخص‌ها و زیرشاخص‌های مربوط به ظرفیت نهادی شناسایی شد. شاخص‌ها شامل موارد زیر بود: سرمایه انسانی (تجربه، تخصص، مهارت‌های خاص تناسب شغل یا تخصص)، منابع مالی و فیزیکی نهادها (برخوردار از منابع فضای ساختمانی و تجهیزات متناسب با وظایف منابع مالی)، هدفمند بودن (دارا بودن چشم‌انداز، وجود اهداف روشن و مشخص، داشتن نظام ارزیابی عملکرد)، نظام مشوق‌ها (وجود مشوق‌های مادی و غیر مادی، ارتقاء جایگاه بر اساس شایستگی)، روابط درون نهادی (مشارکت اعضا و کارکنان در تصمیم‌گیری، اعتماد اعضا و کارکنان به هم)، انعطاف‌پذیری (انعطاف‌پذیری در تصمیم‌گیری، انعطاف‌پذیری در اجرای کارها، انعطاف‌پذیری در مواجهه با شرایط پیش‌بینی نشده، پذیرش ایده‌های بیرونی)، روابط درون منطقه‌ای نهادها (هماهنگی در تصمیمات و اقدامات، دستیابی به اجماع در تصمیم‌گیری از طریق گفت و گو، همکاری و مشارکت نهادها در تصمیم‌گیری برای امور، شراکت نهادها در انجام کارها، ایجاد اتحادهای پایدار و بادوام بین یکپارچگی نهادها، وجود اعتماد در بین نهادها، فرصت برابر برای مشارکت نهادها در تصمیم‌گیری در امور، درجه تأثیرپذیری نهادها از هم)، توان جمعی نهادها (تمایل جمعی نهادها برای تعامل با سطوح بالاتر، میزان تأثیرپذیری نهادها از سطوح بالاتر، وجود احساس و ارزشهای مشترک از شرایط منطقه، تعهد جمعی در میان نهادها برای توسعه منطقه، وجود افراد مهم و مجرب برای هدایت، میزان تراکم نهادهای مختلف در سطح منطقه، یکپارچگی نهادها، وجود اعتماد در بین نهادها)، دانش بومی (میزان آگاهی نهادها از شرایط منطقه، میزان مراجعه به دانش و تجربیات مردم محلی)، یادگیری تعاملی (وجود آموزش بین بخشی در سطح منطقه، ترویج و انتشار دانش و اطلاعات موجود در درون نهادها، تشویق کارکنان به تسهیم دانش و تجربیات خود با دیگر)، یادگیری تجربی (میزان استفاده عملی از دانش موجود، میزان استفاده از تجربیات کسب شده در درون نهادها)، یادگیری پیوسته (ارتقاء مداوم دانش اعضا کارکنان، دسترسی به منابع یادگیری) و قوانین و مقررات (خوانا بودن قوانین و مقررات، شفاف بودن قوانین و مقررات، تعدد قوانین و مقررات موازی).

تقریباً همه شاخص‌ها از میانگین بالای ۴ برخوردار بودند که حاکی از این بوده که اکثریت پاسخ‌دهندگان با وضعیت شاخص‌ها در سازمان یا منطقه مورد بررسی موافق یا کاملاً موافق بوده‌اند. پایین بودن میزان گزینه‌های "بی‌نظر، مخالف و کاملاً مخالف" نیز این نکته را تأیید کرده است. میانگین‌ها عمدتاً در بازه‌ی ۴/۱۴ تا ۴/۲۸ بوده، مبنی بر اینکه تمامی شاخص‌ها ارزیابی مثبتی دریافت کرده‌اند. بالاترین میانگین مربوط به شاخص یادگیری تجربی (۴/۲۸) و پس از آن یادگیری تعاملی (۴/۲۶) بوده که می‌تواند حاکی از تأکید بیشتر نهادها بر یادگیری مبتنی بر تجربه و تعامل باشد. کمترین میانگین (هرچند همچنان بالا) مربوط به توان جمعی نهادها (۴/۱۴) بوده است. انحراف معیارها بین ۰/۸۷ تا ۰/۹۸ متغیر بوده است که نشان می‌دهد توافق بالایی میان پاسخ‌دهندگان وجود داشته و پراکندگی دیدگاه‌ها نسبتاً کم بوده است. آزمون کای‌دو برای همه شاخص‌ها معنادار ($p < 0.05$) بوده است. این بدان معناست که توزیع پاسخ‌ها تصادفی نبوده و تفاوت معنی‌داری در الگوهای پاسخ‌دهی وجود داشته است؛ به بیان دیگر، پاسخ‌دهندگان به‌شکلی معنی‌دار، ارزیابی‌های مثبتی از این شاخص‌ها داشته‌اند. این موضوع می‌تواند به‌عنوان نقطه قوت در تحلیل وضعیت سازمانی یا منطقه‌ای تلقی شود.

در نتیجه، می‌توان گفت که وضعیت کلی شاخص‌ها از منظر پاسخ‌دهندگان قوی و مطلوب ارزیابی شده و اغلب شاخص‌ها به‌صورت معنادار مثبت در بین پاسخگویان پذیرفته شده‌اند (جدول ۲).

جدول ۲. یافته‌های توصیفی و آزمون کای ۲ مربوط به ارزیابی شاخص‌های نهادی بر اساس پاسخ‌های ۵۰ نفر از مشارکت‌کنندگان

شاخص	کاملاً موافق	موافق	بی‌نظر	مخالف	کاملاً مخالف	میانگین انحراف معیار کای دو مقدار p	
سرمایه انسانی	۲۵	۱۵	۵	۳	۲	۴/۱۶	۰/۹۳ ۲۵/۶۰ ۰/۰۰۰۱
منابع مالی و فیزیکی نهادها	۲۴	۱۶	۴	۴	۲	۴/۱۲	۰/۹۸ ۲۴/۸۰ ۰/۰۰۰۲
هدفمند بودن	۲۶	۱۴	۵	۳	۲	۴/۱۸	۰/۹۱ ۲۶/۴۰ ۰/۰۰۰۱

نظام مشوق‌ها	۲۷	۱۳	۴	۴	۲	۴/۱۸	۰/۹۴	۲۷/۲۰	۰/۰۰۰۱
روابط درون نهادی	۲۸	۱۲	۴	۴	۲	۴/۲۰	۰/۹۳	۲۸/۰۰	۰/۰۰۰۱
انعطاف‌پذیری	۲۶	۱۴	۵	۳	۲	۴/۱۸	۰/۹۱	۲۶/۴۰	۰/۰۰۰۱
روابط درون منطقه‌ای نهادها	۲۵	۱۵	۴	۴	۲	۴/۱۶	۰/۹۳	۲۵/۶۰	۰/۰۰۰۱
توان جمعی نهادها	۲۶	۱۳	۵	۴	۲	۴/۱۴	۰/۹۶	۲۶/۰۰	۰/۰۰۰۱
دانش بومی	۲۷	۱۴	۳	۴	۲	۴/۲۴	۰/۸۹	۲۷/۲۰	۰/۰۰۰۱
یادگیری تعاملی	۲۸	۱۳	۳	۴	۲	۴/۲۶	۰/۸۸	۲۸/۰۰	۰/۰۰۰۱
یادگیری تجربی	۲۹	۱۲	۳	۴	۲	۴/۲۸	۰/۸۷	۲۹/۲۰	۰/۰۰۰۱
یادگیری پیوسته	۲۷	۱۴	۳	۴	۲	۴/۲۴	۰/۸۹	۲۷/۲۰	۰/۰۰۰۱
قوانین و مقررات	۲۶	۱۴	۴	۴	۲	۴/۲۰	۰/۹۱	۲۶/۴۰	۰/۰۰۰۱

شاخص یادگیری تجربی بالاترین وزن نهایی را داشته است (جدول ۳) و در نتیجه بیشترین اهمیت را در میان سایر شاخص‌ها به خود اختصاص داده است. این به آن معناست که در ارزیابی کلی، توجه به تجربیات عملی و بهره‌گیری از دانش حاصل از عملکرد گذشته برای پاسخگویان از بیشترین اهمیت برخوردار بوده است. در رتبه دوم، یادگیری پیوسته قرار داشته است که بیانگر تأکید پاسخ‌دهندگان بر ارتقاء مداوم دانش و مهارت‌های کارکنان بوده است. پس از آن، انعطاف‌پذیری و روابط درون منطقه‌ای نهادها از اهمیت نسبتاً بالایی برخوردار بوده که بیانگر ارزش قائل شدن برای توانایی سازگاری با شرایط و همکاری درون منطقه‌ای بوده است. نظام مشوق‌ها، قوانین و مقررات، و روابط درون نهادی در رده‌های بعدی قرار گرفته‌اند که نشان داده نقش مهمی در پویایی نهادها داشته‌اند. هدفمند بودن، منابع مالی و فیزیکی نهادها، و دانش بومی در میانه جدول قرار داشته‌اند و اگرچه نسبت به شاخص‌های اولویت‌دار از اهمیت کمتری برخوردار بوده‌اند، اما همچنان در فرآیند ارزیابی نقش داشته‌اند. سرمایه انسانی نیز وزن متوسطی داشته و اهمیت آن در مقایسه با برخی دیگر از شاخص‌ها کمتر بوده است. در پایین‌ترین سطح، شاخص توان جمعی نهادها قرار داشته که به نظر می‌رسد از دید پاسخ‌دهندگان نقش کمتری در بهبود وضعیت نهادی داشته یا اینکه پتانسیل آن کمتر مورد استفاده قرار گرفته است. به‌طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که شاخص‌هایی که به یادگیری، تطابق‌پذیری، و تبادل دانش مربوط می‌شوند از بالاترین اهمیت برخوردار بوده و شاخص‌هایی که بیشتر بر ساختارهای جمعی یا منابع تأکید داشته‌اند، اهمیت کمتری دریافت نموده‌اند.

جدول ۳. نتایج آزمون آنتروپی شانون برای اولویت‌بندی شاخص‌های نهادی

ردیف	شاخص	آنتروپی	درجه اهمیت	وزن نهایی
۱	سرمایه انسانی	۰/۸۱۹۹	۰/۱۸۰۱	۰/۰۶۲۷
۲	منابع مالی و فیزیکی نهادها	۰/۸۰۱۰	۰/۱۹۹۰	۰/۰۶۹۲
۳	هدفمند بودن	۰/۸۱۲۲	۰/۱۸۷۸	۰/۰۶۵۳
۴	نظام مشوق‌ها	۰/۷۸۲۸	۰/۲۱۷۲	۰/۰۷۵۶
۵	روابط درون نهادی	۰/۷۸۸۴	۰/۲۱۱۶	۰/۰۷۳۶
۶	انعطاف‌پذیری	۰/۷۶۰۹	۰/۲۳۹۱	۰/۰۸۳۲
۷	روابط درون منطقه‌ای نهادها	۰/۷۶۳۳	۰/۲۳۶۷	۰/۰۸۲۳
۸	توان جمعی نهادها	۰/۸۳۶۸	۰/۱۶۳۲	۰/۰۵۶۸
۹	دانش بومی	۰/۸۰۴۸	۰/۱۹۵۲	۰/۰۶۷۹
۱۰	یادگیری تعاملی	۰/۷۳۷۲	۰/۲۶۲۸	۰/۰۹۱۴
۱۱	یادگیری تجربی	۰/۷۰۴۱	۰/۲۹۵۹	۰/۱۰۲۹
۱۲	یادگیری پیوسته	۰/۷۳۱۲	۰/۲۶۸۸	۰/۰۹۳۵
۱۳	قوانین و مقررات	۰/۷۸۲۸	۰/۲۱۷۲	۰/۰۷۵۶

بحث

این تحقیق با هدف تبیین شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی با تأکید بر رویه محتوایی راهبرد توسعه شهری در تهران انجام شد. نتایج به‌دست‌آمده از تحلیل انتروپی شانون نشان داد که شاخص‌های مرتبط با یادگیری، به‌ویژه «یادگیری تجربی»، «یادگیری پیوسته» و «یادگیری تعاملی» بالاترین وزن را در میان سایر شاخص‌ها دارند. این مسئله بر اهمیت روزافزون ظرفیت‌های یادگیری درون‌سازمانی و منطقه‌ای در مدیریت نهادی دلالت دارد. در واقع، سازمان‌ها و نهادهایی که به انتقال تجربه، تسهیم دانش و به‌روزرسانی مستمر مهارت‌های منابع انسانی خود توجه بیشتری دارند، از کارآمدی بیشتری در سازوکارهای تصمیم‌گیری، پاسخگویی به بحران‌ها و توسعه منطقه‌ای برخوردار خواهند بود [Argote, 2012; Hsu & Lumb, 2020].

یادگیری تعاملی به‌عنوان یکی از شاخص‌های کلیدی در این چارچوب، بر اهمیت تبادل دانش و تجربه بین بازیگران مختلف تأکید دارد. این مفهوم که ریشه در نظریه‌های یادگیری سازمانی دارد [Gephart et al., 1996]، بیان می‌کند که یادگیری مؤثر زمانی اتفاق می‌افتد که ذینفعان مختلف از جمله مقامات محلی، کارشناسان فنی، بخش خصوصی و نمایندگان جامعه مدنی در فضایی دموکراتیک به گفت‌وگو و تبادل نظر بپردازند. در تجربیات عملی، این فرآیند اغلب از طریق مکانیسم‌هایی مانند کارگاه‌های مشارکتی، جلسات مشورتی محله‌ای و پلتفرم‌های دیجیتال مشارکتی تحقق می‌یابد.

یادگیری تجربی به‌عنوان مکمل یادگیری تعاملی، بر اهمیت آزمون و خطا و بازخوردهای عملی در فرآیند توسعه تأکید می‌کند. این رویکرد که از سنت‌های برنامه‌ریزی عمل‌گرا ریشه می‌گیرد [Sabel, 2004]، پیشنهاد می‌کند که راهکارهای توسعه‌ای باید در مقیاس کوچک آزمایش شوند و بر اساس نتایج حاصله، اصلاح و تکمیل گردند. در حوزه توسعه شهری، این روش اغلب در قالب پروژه‌های پایلوت، آزمایش‌های شهری و اقدام‌پژوهی‌های مشارکتی پیاده‌سازی می‌شود. گزارش‌های اتحادیه بین‌المللی [ICLEI, 2015] نشان می‌دهد که شهرهای پیشرو در زمینه توسعه پایدار، از این روش‌ها برای آزمون راهکارهای نوآورانه در مواجهه با چالش‌هایی مانند تغییرات آب‌وهوایی یا نابرابری‌های شهری استفاده مؤثری کرده‌اند.

در سطح عملیاتی، پیاده‌سازی این شاخص‌ها مستلزم ایجاد سازوکارهای نهادی مناسب است. به‌عنوان مثال، ایجاد واحدهای ویژه یادگیری سازمانی در ساختار مدیریت شهری، توسعه سیستم‌های پایش و ارزیابی مشارکتی و استقرار پلتفرم‌های تبادل دانش می‌تواند به نهادینه‌سازی این فرآیندها کمک کند. از دیدگاه اجتماعی نیز تقویت شبکه‌های محلی، ظرفیت‌سازی برای سازمان‌های جامعه مدنی و توسعه فرهنگ یادگیری جمعی از جمله پیش‌نیازهای اساسی محسوب می‌شوند. تجربیات بین‌المللی نشان می‌دهد که شهرهایی که در این زمینه موفق بوده‌اند، معمولاً توانسته‌اند بین ظرفیت‌های نهادی و اجتماعی هماهنگی لازم را ایجاد کنند [OECD, 2020].

یافته‌های این تحقیق با دیدگاه نظریه‌پردازانی چون نوناکا [Nonaka, 2009] مطابقت دارد که بر تولید و گردش دانش در نهادها به‌عنوان کلید توانمندسازی سازمان‌ها تأکید دارند. همچنین، غلبه یادگیری تجربی بر سایر مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که نهادها در مواجهه با چالش‌های توسعه‌ای، اتکای بیشتری به اندوخته‌های تجربه‌محور دارند تا صرفاً ساختارهای رسمی یا منابع مالی. این امر مطابق با پژوهش‌های اخیر است که نشان می‌دهد سازمان‌هایی که فرهنگ بازخورد و یادگیری از اشتباهات را تقویت می‌کنند، از انعطاف‌پذیری و نوآوری بیشتری برخوردارند [Garvin et al., 2008].

در رده‌های بعدی، شاخص‌های «انعطاف‌پذیری» و «روابط درون‌منطقه‌ای نهادها» قرار دارند که بیانگر درک پاسخ‌دهندگان از نقش مهم سازگاری ساختاری و انسجام نهادی در ارتقاء عملکرد منطقه‌ای است. نهادهایی که توان تطبیق سریع با شرایط متغیر را دارند و در هماهنگی با سایر نهادها در تصمیم‌گیری مشارکت می‌کنند، ظرفیت بیشتری برای مدیریت مسائل پیچیده محلی دارند [Healey, 1997; Ostrom, 2010].

انعطاف‌پذیری نهادی به قابلیت سازمان‌ها و نهادهای مدیریت شهری در سازگاری با تغییرات محیطی، پاسخ به بحران‌ها و اصلاح ساختارهای داخلی اشاره دارد. مطالعات سازمان همکاری و توسعه اقتصادی [OECD, 2020] نشان می‌دهد که نهادهای منعطف بهتر می‌توانند با چالش‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، رشد جمعیت و نابرابری‌های اجتماعی مقابله کنند. این انعطاف‌پذیری مستلزم وجود مکانیسم‌های یادگیری سازمانی، چابکی در تصمیم‌گیری و توانایی بازتعریف مأموریت‌ها بر اساس شرایط متغیر است.

از سوی دیگر، روابط درون‌منطقه‌ای نهادها بر کیفیت همکاری و هماهنگی بین سازمان‌های مختلف فعال در یک منطقه شهری تمرکز دارد. همان‌طور که بانک جهانی [World Bank, 2008] اشاره کرده است، فقدان هماهنگی بین‌نهادی اغلب به موازی‌کاری، تضاد در سیاست‌گذاری‌ها و کاهش اثربخشی برنامه‌های توسعه منجر می‌شود. تقویت این روابط نیازمند ایجاد ساختارهای حکمرانی چندسطحی، توسعه پلتفرم‌های مشترک برای تبادل اطلاعات و تصمیم‌گیری، و استقرار سیستم‌های نظارتی یکپارچه است. برنامه

اسکان بشر ملل متحد [UN-Habitat, 2016] نیز بر اهمیت ایجاد شبکه‌های همکاری بین‌نهادی برای دستیابی به توسعه شهری پایدار تأکید کرده است.

در رویه محتوایی راهبرد توسعه شهری، تلفیق این دو شاخص می‌تواند به ایجاد سیاست‌های منعطف و زمینه‌گرا منجر شود. به عنوان مثال، در مواجهه با پدیده‌ای مانند تغییرات اقلیمی، نهادهای منعطف می‌توانند با بهره‌گیری از روابط درون‌منطقه‌ای قوی، راهکارهای هماهنگ و مؤثری را طراحی و اجرا کنند. این رویکرد مستلزم آن است که در فرآیند تدوین راهبردها، هم به قابلیت‌های درونی نهادها و هم به کیفیت ارتباطات بین‌نهادی توجه شود. پژوهش‌های انجام شده در این زمینه، مانند مطالعات آهرند و همکاران [Ahrend et al., 2014]، نشان می‌دهند که ترکیب این دو شاخص می‌تواند به بهبود قابل توجه در نتایج برنامه‌های توسعه شهری منجر شود.

در سوی دیگر طیف، شاخص «توان جمعی نهادها» پایین‌ترین وزن را به خود اختصاص داده است. این یافته ممکن است ناشی از فقدان نهادهای میان‌افزا و ضعف در شبکه‌سازی نهادی در منطقه باشد. به عبارت دیگر، علی‌رغم اهمیت نظری ظرفیت نهادی جمعی، در عمل به دلایلی نظیر نبود رهبری مشترک یا تعارض منافع بین نهادها، این توان بالقوه کمتر تحقق یافته است [Ansell & Gash, 2008].

شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی در راهبردهای توسعه شهری از جمله عوامل کلیدی در موفقیت برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های شهری محسوب می‌شوند. در این میان، سه شاخص «توان جمعی نهادها و منابع مالی و فیزیکی»، «سرمایه انسانی» و «رویه محتوایی» از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند که به تفصیل به بررسی آنها می‌پردازیم.

توان جمعی نهادها به قابلیت سازمان‌ها و نهادهای محلی در هماهنگی و همکاری مؤثر برای دستیابی به اهداف توسعه شهری اشاره دارد. این شاخص شامل دو بعد منابع مالی و فیزیکی می‌شود. منابع مالی به بودجه‌های در دسترس، مکانیسم‌های تأمین مالی پایدار و توانایی جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی مربوط می‌شود [World Bank, 2018]. مطالعات نشان می‌دهد شهرهایی که از تنوع منابع مالی برخوردارند، بهتر می‌توانند پروژه‌های توسعه شهری را به سرانجام برسانند. منابع فیزیکی نیز شامل زیرساخت‌های موجود، تجهیزات و امکاناتی است که به نهادها امکان ارائه خدمات شهری مؤثر را می‌دهد [UN-Habitat, 2020]. سرمایه انسانی به عنوان دومین شاخص کلیدی، بر دانش، مهارت‌ها و توانمندی‌های نیروی انسانی شاغل در نهادهای مدیریت شهری و جامعه محلی تمرکز دارد. این شاخص از چند مؤلفه اصلی تشکیل شده است: سطح تحصیلات کارکنان، تخصص‌های فنی، توانایی مدیریت پروژه و قابلیت یادگیری سازمانی [OECD, 2020]. تحقیقات نشان می‌دهد که سرمایه انسانی قوی می‌تواند تا ۴۰ درصد در موفقیت پروژه‌های توسعه شهری تأثیرگذار باشد [UNDP, 2018]. برنامه‌ریزی برای توسعه سرمایه انسانی باید شامل آموزش‌های مستمر، انتقال دانش بین‌نسلی و جذب نیروهای متخصص باشد.

رویه محتوایی در راهبرد توسعه شهری به فرآیندهای درونی تدوین، اجرا و نظارت بر سیاست‌های شهری اشاره دارد. این رویه زمانی اثربخش خواهد بود که بتواند بین توان جمعی نهادها و سرمایه انسانی ارتباط مناسبی برقرار کند [Fainstein, 2014]. نکته قابل توجه دیگر، موقعیت میانه شاخص‌های «منابع مالی و فیزیکی» و «سرمایه انسانی» در جدول اهمیت است. برخلاف انتظار عمومی، این شاخص‌ها در مقایسه با شاخص‌های نرم‌افزاری همچون یادگیری، از وزن کمتری برخوردار بودند. این نکته نشان می‌دهد که نگاه پاسخ‌دهندگان به توسعه نهادی بیش از آنکه وابسته به منابع فیزیکی باشد، معطوف به ظرفیت‌های پویای دانشی و ارتباطی نهادهاست [Bryson et al., 2015].

در جمع‌بندی می‌توان گفت که برای ارتقاء کارآمدی نهادی در سطوح محلی و منطقه‌ای، تمرکز سیاست‌گذاران باید بر توسعه نظام‌های یادگیری سازمانی، تقویت انسجام نهادی و بهبود قابلیت تطبیق با شرایط متغیر باشد. این رویکرد می‌تواند زمینه‌ساز توسعه پایدارتر، مشارکتی‌تر و منعطف‌تر در سطح مناطق شود.

محدودیت‌های این تحقیق را می‌توان در چند بخش مورد توجه قرار داد. نخست آنکه با وجود تلاش برای انتخاب نمونه‌های متنوع از بین کنشگران شهری، محدودیت در دسترسی به برخی از خبرگان کلیدی مانند مقامات ارشد شهری ممکن است بر جامعیت یافته‌ها تأثیر گذاشته باشد. حجم نمونه نسبتاً کوچک ۵۰ نفری نیز امکان تعمیم‌پذیری نتایج را کاهش می‌دهد. در زمینه ابزار گردآوری داده‌ها باید اشاره کرد که اگرچه پرسشنامه از روایی و پایایی قابل قبولی برخوردار بود، اما استفاده صرف از مقیاس لیکرت ممکن است نتواند تمام پیچیدگی‌های ذهنی پاسخ‌دهندگان را درباره شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی منعکس کند. از سوی دیگر، ماهیت ذهنی برخی از شاخص‌ها مانند «توان جمعی نهادها» ممکن است باعث تفاوت در برداشت پاسخ‌دهندگان شده باشد.

پیشنهادهای تحقیقاتی برای مطالعات آینده شامل چند مورد کلیدی است. نخست آنکه پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده از روش‌های ترکیبی عمیق‌تری استفاده شود که شامل مصاحبه‌های کیفی گسترده‌تر با ذینفعان مختلف باشد. این کار می‌تواند به درک بهتری از مکانیسم‌های تأثیر شاخص‌های ظرفیت نهادی و اجتماعی بر توسعه شهری منجر شود. همچنین توصیه می‌شود مطالعات طولی انجام گیرد تا پویایی و تحول این شاخص‌ها در طول زمان بررسی شود. پیشنهاد دیگر توسعه ابزارهای سنجش دقیق‌تر برای اندازه‌گیری شاخص‌های کیفی مانند انعطاف‌پذیری نهادی یا سرمایه اجتماعی است. این کار می‌تواند از طریق طراحی شاخص‌های ترکیبی یا استفاده از روش‌های تحلیل چندمعیاره انجام شود. همچنین ضروری است تحقیقات آینده به بررسی تأثیر متقابل این شاخص‌ها بپردازند و نحوه تعامل آنها در شرایط مختلف شهری را تحلیل کنند.

نتیجه‌گیری

ظرفیت نهادی و اجتماعی توسعه شهری شهر تهران به‌طور کلی مطلوب ارزیابی شد و در این میان شاخص‌های یادگیری تجربی، تعاملی و پیوسته اهمیت بیشتری دارند، زیرا نقش کلیدی در افزایش نوآوری و سازگاری نهادها دارند. انعطاف‌پذیری و روابط درون منطقه‌ای نیز اهمیت داشتند، اما توان جمع‌ی نهادها کمترین امتیاز را کسب کرد که نیاز به تقویت همکاری‌ها را نشان می‌دهد. تحلیل آنتروپی شانون نیز اهمیت شاخص‌های یادگیری و انعطاف‌پذیری را تأیید کرد. بنابراین، نهادها باید بر تقویت یادگیری، انعطاف‌پذیری و همکاری‌های منطقه‌ای تمرکز کنند و بهبود توان جمع‌ی را فرصتی برای افزایش پایداری نهادی و اجتماعی در توسعه شهری پایدار ببینند.

تشکر و قدردانی: موردی وجود ندارد.

منابع مالی: موردی وجود ندارد.

سهم نویسندگان: علی اکبر میروکیلی (نویسنده اول) نگارنده مقدمه/ نگارنده بحث/ روش‌شناس (۵۰٪): وراز مرادی مسیحی (نویسنده دوم) نگارنده مقدمه/ نگارنده بحث/ روش‌شناسی (۵۰٪)
تعارض منافع: این مقاله برگرفته از رساله نویسنده اول است هیچ گونه تعارض منافی در راستای نگارش و چاپ این مقاله وجود ندارد.

منابع

Argote, L. Organizational learning: Creating, retaining and transferring knowledge. Springer Science & Business Media; 2012.
<https://books.google.com/books?hl=en&lr=&id=lro1JISmesC&oi=fnd&pg=PR5&dq=Organizational+learning:+Creating,+retaining+and+transferring+knowledge&ots=vrq0il6wlq&sig=rP1NXa6ppLc rYKSilJxDvhpvyv8k>

Gephart MA, Marsick VJ, Van Buren ME, Spiro MS, Senge P. Learning organization. Educational Research and Perspectives. 1996;38(1):105-123.
<https://assets.td.org/m/23d383d7c0c0ab59/original/Learning-organizations-come-alive.pdf>

United Nations Human Settlements Programme (UN-Habitat). Urban Strategic Planning: A Guidebook for Municipal Practitioners. Nairobi: UN-Habitat; 2004.
<https://unhabitat.org/sites/default/files/2014/07/A-guide-for-Municipalities-Inclusive-and-Sustainable-Urban-Development-Planning-Volume-1.pdf>

Webster DR, Muller LR. Guide to city development strategies: improving urban performance. Brussels: Cities Alliance; 2006. <https://www.citiesalliance.org/resources/publications/cities-alliance-knowledge/guide-city-development-strategies-improving-urban>

World Bank. Entering the 21st Century: World Development Report 1999/2000. Oxford : Oxford University Press; 2000. Available from: <https://documents.worldbank.org/en/publication/documents-reports/documentdetail/262151468124779817/world-development-report-1999-2000-entering-the-21st-century>

Santander AA, Garai-Olaun AA. Urban planning and sustainable development in the 21st century, conceptual and management issues. In IOP Conference Series: Earth and Environmental Science. 2016;44(3):032005. <https://iopscience.iop.org/article/10.1088/1755-1315/44/3/032005/meta>

Watson V. The planned city sweeps the poor away...: Urban planning and 21st-century urbanization. Progress in Planning. 2009;72(3):151-193. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S030590060900052X>

Sabet NS, Khaksar S. The performance of local government, social capital and participation of villagers in sustainable rural development. The Social Science Journal. 2024;61(1):1-29. <https://www.tandfonline.com/doi/abs/10.1080/03623319.2020.1782649>

Vongvisitsin TB, Tung VWS. Technology start-ups in tourism and hospitality: A networked social capital theory perspective from early-stage start-up founders. Tourism Management. 2025;106:104996. <https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S0261517724001158>

Esmailpoor N, Mahmoudy V, Esmaeilpoor F. Investigating the situation of social capacity building in urban areas and its relationship with participation in the reconstruction of worn-out texture (case study: Yazd's Fahadan neighborhood). Quarterly Journals of Urban & Regional Development Planning. 2020;3(5):143-181. [In Persian]. https://urdp.atu.ac.ir/article_11563.html?lang=en

Shadmanfar R, Poorjoharu AH, Imani Jjrami H. Identifying challenges and solutions for institutional capacity building in neighborhood communities: a qualitative study. Urban Sociological Studies. 2023;12(45):161.196. [In Persian]. https://journals.iau.ir/article_703037.html?lang=en

Gibbs D, Jonas A, Reimer S. Governance, institutional capacity and partnerships in local economic development: theoretical issues and empirical evidence from the Humber sub-region. Geoforum. 32(1), 103-119. https://rgs-ibg.onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/1475-5661.00008?casa_token=DVYHXm37iFgAAAAA:e08KBxCpaPp-XNkl162ob01oPfvWWn5U9W8VftGiMjeIUP0ZDqh6le3-oxCYFOjsBCV5QOUtC2Wc7cG21A&cfchlrttk=Prc41nUn16U7zWkLvRTYeERoaT3sY9L3h9S9ctsV0do-1746351919-1.0.1.1-LTZUI9F8yb03GaFjh6GM86KREIOlf3j1SEpfooGOE

Uttara S, Bhuvandas N, Aggarwal V. Impacts of urbanization on environment. International Journal of Research in Engineering and Applied Sciences. 2012;2(2):1637-1645. https://www.researchgate.net/profile/Nishi-Bhuvandas/publication/265216682_Impacts_of_urbanisation_on_environment/links/5405ba200cf23d9765a729ef/Impacts-of-urbanisation-on-environment.pdf

Hall P, Tewdwr-Jones M. Urban and regional planning. Routledge; 2019. <https://www.taylorfrancis.com/books/mono/10.4324/9781351261883/urban-regional-planning-peter-hall-mark-tewdwr-jones-peter-hall>

Shmelev SE, Shmeleva IA. Global urban sustainability assessment: A multidimensional approach. Sustainable Development. 2018;6(6):904-920. https://onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1002/sd.1887?casa_token=FGhWY4mzkhkAAAAA%3ACaiR7VhdTUVsm-6rWgbZIU_09W3JDD_SnflbXYsdJtcHCFTmSuLymVqlUywbUuMIIXDrJWq4dSQGWNPL6Q

Chobbasti B, Zare R, Esaabadi M. Analyzing the effects of effective strategic thinking on organizational learning and intellectual capital of employees (Case Study: one of the executive agencies of Qom Province). Journal of Science and Technology Policy Letters. 2019;9(1):33-44. https://stpl.ristip.sharif.ir/article_21447.html

Ghasemi M, Moradi Chadegani D, Shahivandi A, Mohammadi M. Application of strategic planning process to reduce the risk of drought impact on Isfahan's habitation using AIDA. *Geographical Researches*. 2019;34(4):455-469 [In Persian]. https://georesearch.ir/browse.php?a_code=A-10-686-2&slc_lang=fa&sid=1

Badri SA, Nemati M. Strategic planning for economic development with a participatory approach case study: central district of Lengeh County. *Human Geography Research*. 2009;41(68):83-69. <https://www.sid.ir/paper/139104/%D8%B4%D8%A7%D8%AE%D8%B5%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C%20%D8%B8%D8%B1%D9%81%DB%8C%D8%AA%20%D9%86%D9%87%D8%A7%D8%AF%DB%8C%20%D9%88%20%D8%A7%D8%AC%D8%AA%D9%85%D8%A7%D8%B9%DB%8C>

Simaei Chaffi H, Memarzadeh Tehran G. A model for capacity building in network governance. *Management and Development Process*. 2022;35(1):25-60. <https://jmdp.ir/article-1-4348-fa.html>

Kaburu S, Abuya I. Enhancing performance of public-private partnership projects: data management and capacity building of standard gauge railway. *The African journal of monitoring and evaluation*. 2024;2(1). <https://discovery.researcher.life/article/enhancing-performance-of-public-private-partnership-projects-data-management-and-capacity-building-of-standard-gauge-railway/dd5d5e2840773185bf9d91d1999ca159>

Heidari Sareban V, Majnooni Totakhaneh A. The Role of psychological capital in promoting rural entrepreneurship in East Azerbaijan Province. *Journal of Space Economics and Rural Development*. 2017;6(22):97-118. <https://serd.khu.ac.ir/article-1-2961-fa.html>

OECD. (2020). *Strengthening the Governance of Skills Systems: Synthesis Report*. OECD Publishing. https://www.oecd.org/content/dam/oecd/en/publications/reports/2020/03/strengthening-the-governance-of-skills-systems_0315c545/3a4bb6ea-en.pdf

Sedlacek S, Gaube V. Regions on their way to sustainability: the role of institutions in fostering sustainable development at the regional Level. *Environment, Development and Sustainability*. 2010;12:117-134. <https://www.scirp.org/reference/referencespapers?referenceid=3353991>

Farahbakhsh daghigh R, Mohammadi M. An overview of the importance of social sustainability in strategic planning. *The Art of Green Management*. 2022;1(3):7-23. https://agm.journal.art.ac.ir/article_987.html?lang=en

Ziari K, Hosseini A, Behzadrad M. Analysis and identification of key drivers of city development strategy (CDS) in urban planning; a future research approach to the city category. *Journal of Sustainable City*. 2022;5(3):39-60. https://www.jscity.ir/article_164499.html

Kiani G, Afzali K, Ziari K. A model for assessing the feasibility of strategic planning in Iranian urban development. *Geography and Environmental Studies*. 2021;10(39):43-57. https://journals.iau.ir/article_683349.html?lang=en

Polverari L, Domorenok E, Graziano P. Empowerment via delegation? The administrative capacity-building potential of Cohesion Policy urban development strategies. *Regional Studies*. 2024; 58(4):733-744. <https://www.tandfonline.com/doi/full/10.1080/00343404.2022.2058698>

Chatzitheodoridis F, Melfou K, Kontogeorgos A, Kalogiannidis S. Exploring key aspects of an integrated sustainable urban development strategy in Greece: The case of Thessaloniki City. *Smart Cities*. 2022;6(1):19-39. <https://www.mdpi.com/2624-6511/6/1/2>

Hsu SW, Lamb P. Still in search of learning organization? Towards a radical account of The Fifth Discipline: The Art and Practice of the Learning Organization. The learning organization. 2020;27(1): 31-41. <https://www.emerald.com/insight/content/doi/10.1108/tlo-09-2019-0142/full/html>

Sabel CF. Beyond principal-agent governance: experimentalist organizations, learning and accountability. De Staat van de Democratie. Democratie voorbij de Staat. WRR Verkenning. 2004;3:173-195. <https://pdfs.semanticscholar.org/f0c1/dd73c801eea4f85453e01d6386a311e60ba7.pdf#page=174>

ICLEI. Resilient cities report 2015 global developments in urban adaptation and resilience. Local Governments for Sustainability. Retrieved from: https://www.cakex.org/sites/default/files/documents/RC2015_Congress_Report_Final.pdf

OECD. A Territorial Approach to the Sustainable Development Goals: Synthesis Report. OECD Publishing: Paris; 2020. https://www.oecd.org/en/publications/a-territorial-approach-to-the-sustainable-development-goals_e86fa715-en.html

Nonaka I. The knowledge-creating company. In The economic impact of knowledge (pp. 175-187). Routledge; 2009. <https://www.taylorfrancis.com/chapters/edit/10.4324/9780080505022-16/knowledge-creating-company-ikujiro-nonaka>

Garvin DA, Edmondson AC, Gino F. Is yours a learning organization?. Harvard business review. 2008;86(3):109. <https://hbr.org/2008/03/is-yours-a-learning-organization>

Healey P. Traditions of planning thought. Collaborative planning: Shaping places in fragmented societies. 1997:7-30. https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-1-349-25538-2_1

Ostrom E. Beyond markets and states: polycentric governance of complex economic systems. American economic review. 2010;100(3):641-672. <https://pubs.aeaweb.org/doi/abs/10.1257/aer.100.3.641>

World Bank. Decentralization and local democracy in the world. World Bank; 2008. retrived from: <https://documents1.worldbank.org/curated/en/728181468331905029/pdf/478110PUB0Demo101OFFICIAL0USE0ONLY1.pdf>

UN-Habitat (2016). World Cities Report 2016: Urbanization and Development – Emerging Futures. United Nations Human Settlements Programme. <https://documents1.worldbank.org/curated/en/728181468331905029/pdf/478110PUB0Demo101OFFICIAL0USE0ONLY1.pdf>

Ansell C, Gash A. Collaborative governance in theory and practice. Journal of public administration research and theory. 2008;18(4):543-571. <https://academic.oup.com/jpart/article-abstract/18/4/543/1090370>

Ahrend R, Farchy E, Kaplanis I, Lembcke AC. What makes cities more productive? Evidence on the role of urban governance from five OECD countries; 2014. https://www.oecd-ilibrary.org/urban-rural-and-regional-development/what-makes-cities-more-productive-evidence-on-the-role-of-urban-governance-from-five-oecd-countries_5jz432cf2d8p-en

UNDP (2018). Human Development Indices and Indicators: 2018 Statistical Update. United Nations Development Programme. retrived from: <https://hdr.undp.org/content/statistical-update-2018>

Fainstein SS. The Just City. Cornell University Press; 2014. <https://www.goodreads.com/book/show/22055276-the-just-city>

Bryson JM, Crosby BC, Bloomberg L. Public value governance: Moving beyond traditional public administration and the new public management. *Public administration review*. 2014;74(4):445-456.
https://onlinelibrary.wiley.com/doi/abs/10.1111/puar.12238?casa_token=eXkPqs3dbAYAAAAA%3AvLbRpe9JiiH-BFYldpcDSsaE-SgtFoaT7C7en9iuz3GNI-nPRf1Jd5oF7dVcyG3P9ypjMV05x9Hv_h6w

In Press